

فهرست مندرجات

منابع نسخه‌پردازی

- از مسائل نسخه‌پردازی در قرن هشتم / به روایت تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی (۷۷۱-۷۷۷ ق.)؛ محمدرضا شفیعی کدکنی ۸-۵
- «نوشتاری درباره کتابت نسخه‌ها و تصحیح آنها» / بدرالدین محمد غزّی (۹۱۳-۹۸۳ ق.)؛ سید محمدعلی احمدی ابهری ۲۰-۹

نسخه‌شناسی

- کتابه‌سازی بر جلد نسخه خطی / ایرج افشار ۲۱-۲۴
- فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (ترقیمه فارسی) / نجیب‌مایل هروی ۲۵-۵۰
- سیاه‌قلم‌کاران گمنام عهد ناصری (میرزا نصرالله مصطفی) / شیوا کوکلان ۵۱-۵۶
- داستان پیدایش نسخه و نسخه‌شناسی / فرانسوا دروش (و دیگر همکاران)؛ ع. روح‌بخشان ۵۷-۶۶

مواد و وسایل نسخه‌پردازی

- کاغذ ابری و ابری‌سازی / ابو یورتر؛ جمیله دبیری ۶۷-۷۴

سندشناسی

- مقدمه‌ای بر مجموعه مراسلات رسمی: دیوان سلجوقیان و خوارزمشاهیان و اوایل عهد مغولان به قلم محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی؛ به کوشش اکرم مسعودی و نادر مطلبی کاشانی ۷۵-۱۱۰
- تاریخ کتابت و کتاب‌اندلس در عهد امویان (قرن ۲-۴ ق.) / محمد مویاک؛ زهرا شادمان ولوی ۱۱۱-۱۲۴

چاپ

- تاریخ چاپ کتاب به زبان عربی در اروپا (قرن ۱۵-۱۸ م.) / قاسم سامرایی؛ باسمه رضایی ۱۲۵-۱۵۴

فهرست نسخه‌های خطی

- مجموعه شخصی دکتر اصغر مهدوی / سید ابراهیم اشک شیرین ۱۵۵-۱۶۸
- مجموعه وقفی شیخ محمد حسن گیلانی بر مدرسه نمازی خوی / علی صدرایی خوی ۱۶۹-۱۷۶

نقد و معرفی

- آداب نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی در جهان اسلام / فرانسوا دروش (و دیگر همکاران) (پاریس، ۲۰۰۰ م.)؛ ع. روح‌بخشان ۱۷۷-۱۸۰
- نسخه‌های خطی خاورمیانه (لیدن، ۱۹۸۶-۱۹۹۴ م.) / یان یوست ویتکام؛ علی خاکپور ۱۸۱-۱۸۶

اخبار

- چکیده سخنرانی‌های گردهمایی بررسی دیدگاه‌های نظری درباره نقل و تصحیح نسخه‌های خطی شرقی (استانبول، ۲۸-۳۰ مارس ۲۰۰۱ / ۸-۱۰ فروردین ۱۳۸۰) ۱۸۷-۲۰۴
- بزرگداشت حامیان نسخ خطی (تهران، ۲۴ آبان ۱۳۸۰) ۲۰۵
- اولین همایش هنر اسلامی ایران (تهران، ۱-۲ اسفند ۱۳۸۰) ۲۰۶

گونه‌گون

- انتقاد بر انتقاد / برات زنجانی ۲۰۷
- آیا «شاهنامه ۶۱۴»، «شاه نسخه» نیست؟ / ایرج افشار ۲۰۸-۲۰۹
- «شاهنامه» فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (مورخ ۶۱۴ ق.) / آنجلو میشل بیه‌مونتسه ۲۱۰-۲۱۱

خلاصه مقالات تألیفی (عربی - انگلیسی) ۲۱۲-۲۲۰



- مقالات ارسالی قبلاً نباید در جایی به چاپ رسیده باشد.
- مقالات باید مستند و همراه با ذکر منابع و منابع باشد.
- متن اصلی مقاله‌های ترجمه شده و مشخصات کامل کتابشناسی آنها فرستاده شود. در مقاله‌های ترجمه شده، معادل‌های خارجی، اصطلاحات تاریخی و نیز ضبط لاتینی‌اعلام، اضراب گذاری و اعلام غیر فارسی‌آوانویسی شود. ارجاعات و زیرنویس‌ها باید دقیق، خوانا و بی‌در پی‌شماره گذاری شود. در تبدیل سنوات تاریخی از هجری به میلادی یا بالعکس «دقت لازم بعمل آید».
- مقالاتی که دارای تصویر است ذکر شماره و زیرنویس توضیحی و همچنین منبع آن لازم و ضروری است.
- مقالات حداکثر از ۲۵ صفحه دست‌نویس (ترجیحاً نایب شده) و ۱۵ صفحه ۲۰ سطری نایب تجاوز نکند.
- همراه مقاله، الزاماً چکیده‌ای به فارسی (حداکثر در ۱۵۰ کلمه) و تا حد ممکن ترجمه آن به عربی و انگلیسی فرستاده شود. مقالات ارسالی که در مجله به چاپ نمی‌رسد بازگردانده می‌شود.
- مقالات و اظهارات مندرج در مجله منعکس‌کننده دیدگاه نویسندگان است.
- مجله در ویرایش مقالات در حد متعارف آزاد است.
- نقل مطالب «شاهنامه بهارستان» با ذکر مأخذ آزاد است.

بجای یادداشت

محورها و موضوعات پیشنهادی برای همکاری پژوهشگران

نسخه شناسی

۱. تاریخ و آداب کتابت / ۲. کتّاب‌خانه‌ها (نوشتارخانه) و حجره‌های کتاب‌فروشی / ۳. طبقات و اصناف کاتبان و وراقان

نسخه نویسی

۴. پیشینه، آداب و اصول نسخه‌نویسی / ۵. مکتب‌ها و شبکه‌های نسخه‌نویسی / ۶. ساتسور و کورنویسی در نسخه‌های خطی

سند و سندشناسی

۷. انواع سند و آداب سندنویسی / ۸. اصالت، جنس، زبان، خط و اندازه سند / ۹. سجالات و مهرها

کتاب شناسی

۱۰. روش و شیوه‌های کهن کتاب‌شناسی / ۱۱. کتاب‌شناسان جهان اسلام (قدیم و جدید)

فهرست نگاری

۱۲. فهرست نویسان و روش‌های فهرست‌نگاری / ۱۳. یکنواختی در فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی

کتابداری

۱۴. کتاب‌داران و پیشینه کتابداری در جهان اسلام / ۱۵. مناصب و القاب کتابداران در قدیم

نسخه‌های خطی اسلامی و غرب

۱۶. انتقال نسخه‌های خطی اسلامی به غرب / ۱۷. گنجینه‌های نسخه‌های خطی اسلامی در غرب
۱۸. خاورشناسان و فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی اسلامی / ۱۹. چاپ و انتشار متون اسلامی در غرب
۲۰. خاورشناسان و نقد و تصحیح متون اسلامی

کتاب‌پردازی

۲۱. انواع و اقسام جلد (شکل، جنس، اندازه، تزیینات و نقوش روی آن) / ۲۲. تاریخ صحافی و جلدسازی در ایران و کشورهای اسلامی
۲۳. صحافان و جلدسازان نسخه‌های خطی / ۲۴. ابزار و ادوات صحافی و اصطلاحات و واژه‌های مربوط به آن / ۲۵. تأثیر و تأثر جلدسازان و صحافان اسلامی بر جلدسازان اروپایی / ۲۶. ابزار و ادوات مربوط به علوم و فنون در نسخه‌های خطی
۲۷. طراحی، نقاشی، تذهیب و تشعیر در نسخه‌های خطی
۲۸. خط‌شناسی، خوش‌نویسی و خوش‌نویسان نسخه‌های خطی / ۲۹. نقاشان و تذهیب‌گران نسخه‌های خطی
۳۰. انواع کاغذ، کاغذگری و کاغذگران

ابزارهای نگارش

۳۱. ابزارهای نگارش و متفرعات آن / ۳۲. قلم و هنر قلم‌مدان‌سازی در ایران و کشورهای اسلامی / ۳۳. سیاهی، مرکب و انواع آن

حفاظت و مرمت نسخه‌های خطی

۳۴. بررسی آسیب‌ها و آفات (فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی) / ۳۵. راههای پیشگیری و مبارزه با عوامل آسیب‌رسان
۳۶. بررسی ماهیت مواد و عناصر تشکیل‌دهنده نسخه‌ها / ۳۷. حفاظت و مرمت جلد و کاغذ

اطلاع‌رسانی

۳۸. اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی با استفاده از فن‌آوری پیشرفته / ۳۹. شیوه‌های حفاظت نسخه‌های خطی در سیستم‌های رایانه‌ای
۴۰. بهره‌گیری از میکروفیلم و لوح فشرده برای حفاظت از نسخه‌های خطی

نقد و معرفی (در چارچوب موضوعات پیشنهادی)

گزارش و خبر (در چارچوب موضوعات پیشنهادی)

موارد دیگر در زمینه محورها و موضوعات پیشنهادی



تاج الدین عبدالوهاب سبکی (۷۲۷ - ۷۷۱ ق) از فقهای برجسته شافعی در قرن هشتم هجری است^۱ و از علمای بزرگ ناحیه مصر و شام. خاندان سبکی از مشهورترین خاندان‌های فقهات و حدیث در عصر خود بوده‌اند. آثار بازمانده از او شهرت بسیار دارد و همه در کمال اهمیت است از قبیل طبقات الشافعیة الکبری که از مهمترین مراجع زندگینامه نویسی در جهان اسلام به شمار می‌آید. آنچه در این یادداشت مختصر خواهید خواند بخشهایی از کتاب معید النعم اوست^۲ که در آن به مسائل مربوط به «کتابت» و «استنساخ کتاب» و پیشه‌های «ورآقی» و «مجلدی» و «تذهیب» و «کتابفروشی» (دلالتی کتاب) پرداخته است و از خلال آن به عمق بسیاری از مسائل فرهنگی دنیای قدیم و موانعی که بر سر راه نشر بعضی از کتاب‌های خردگرایی وجود داشته می‌توان دست یافت. همچنین از مقایسه سخنان و فتاوی او - که فقیه و قاضی بزرگ ناحیه مصر و شام بوده - با آنچه در مشرق جهان اسلام، یعنی

۱. وی در قاهره متولد شد و در دمشق درگذشت، بیشتر تحصیلات و فعالیت‌های فقهی و قضایی او در ناحیه شام بوده است. در کار قضا، با دشواری‌هایی هم روبرو بوده که ممکن است ریشه در اختلافات عقیدتی با بعضی از معاصران او داشته باشد؛ به ویژه که وی از مخالفان عقاید ابن تیمیة (۶۶۱-۷۲۸ ق) بوده است. حتی او را به زندق نیز متهم کرده‌اند. حدود ده کتاب از آثار او باقی است که یکی از آنها طبقات شافعیة الکبری است که دائرةالمعارف گسترده رجال تا عصر اوست و بخش عظیمی از اطلاعات مربوط به بزرگان جهان اسلام را در آن کتاب می‌توان یافت.

۲. نام کامل کتاب چنین است «معید النعم و معید النعم» (آنچه نعمت‌ها را باز می‌گرداند و سختی‌ها را از میان بر می‌دارد) کتاب در حدود سال ۷۶۲ ق، تألیف و بارها چاپ شده است از جمله در لیدن هلند. جایی که مورد مراجعه ما بوده دارای این مشخصات است: معید النعم و معید النعم، حقیقه و ضبطه و علق علیه محمد علی النجار - ابوزید شلمی - محمد ابوالعیون. یطلب من مکتبة الخانجی بمصر و من مکتبة العثی بیغداد. طبع بدار الکتاب العربی بمصر، القاهرة، الطبعة الأولى ۱۳۶۷ / ۱۹۴۸.

از مسائل کتاب‌پردازی در قرن هشتم

به روایت تاج الدین عبدالوهاب سبکی

محمدرضا شفیعی کدکنی*

دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران

چکیده: آنچه در این مقاله می‌خوانید ترجمه بخشی از کتاب «معید النعم»، تألیف تاج الدین عبدالوهاب سبکی، فقیه برجسته شافعی در قرن هشتم هجری است. مؤلف در این کتاب به معرفی و چگونگی حدود یک صد و دوازده شغل در دوران خود پرداخته است. وی در فصل‌هایی از کتاب، به مسائل مربوط به «کتابت»، «استنساخ»، «ورآقی»، «جلدسازی یا مجلدی»، «تذهیب» و «کتابفروشی» پرداخته است. همچنین در آغاز مقدمه‌ای به قلم مترجم درباره دیدگاه عالمان علوم عقلی نسبت به این گونه مسائل و یا به عبارتی شیوه تفکر رایج آن عصر در برخورد با علم و هنر آمده است.

کلید واژه: کتابت؛ نسخه‌شناسی؛ وراقان؛ کتابفروشان؛ تذهیب.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ استاد دانشگاه.



ایران بزرگ، رواج داشته به روشنی می‌توان دریافت که چرا هنر "کتاب‌پردازی" و "تذهیب" و "تجلید" و وضعیت کتاب‌های علوم عقلی و... درین طرف - که ایران است - به مراحل، بهتر از ناحیه شام و مصر بوده است. نقش تدریجی فتاوی فقها را در کاستن از خلاقیت‌های هنری آن روزگار و آن ناحیه از جهان اسلام، به راحتی، از خلال همین احکام و فتاوی، می‌توان مشاهده کرد.

در یادداشت دیگری مسأله ستیزه فقیهان آن عصر و آن ناحیه را با عقل و کتب فلسفه و کینه‌توزی‌های شگفت‌آور ایشان را در ممانعت از عقل‌گرایی - حتی در حد خواندن تفسیر کشف‌المخبری (۴۶۷ - ۵۳۸ ق.) که مؤلف آن به دلیل مشرب اعتزالی خویش رایحه ملایمی از عقل‌گرایی دارد - بررسی خواهیم کرد.

قابل یادآوری است که خوانندگان بدانند وقتی سبکی درین یادداشت دم از «کتاب‌علم» می‌زند منظورش فقط «علم حدیث» است و لا غیر. در چشم انداز امثال او ریاضیات و طب و نجوم و فلسفه و غیره مطلقاً «علم» به حساب نمی‌آیند. به همین دلیل ما کلمه «علم» را در ترجمه گفتار او همه جا داخل «گیومه» قرار دادیم. این تنها او نیست که وقتی کلمه «علم» را به کار می‌برد فقط اراده «علم حدیث» می‌کند. تمام محدثین بزرگ، «علم» را منحصر در «علم حدیث» می‌دانسته‌اند. به این عبارت ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲ ق.) محدث برجسته و بی‌همتای قرون و اعصار، درباره ابن سینا (د ۴۲۸ ق.) فیلسوف و عالم درجه اول جهان اسلام بنگرید:

«نمیدانم که آیا او [ابن سینا] چیزی از «علم» روایت کرده است یا نه. و اگر هم روایت کرده باشد، نقل کردن از طریق او روان نیست! زیرا دارای مشرب فلسفی است و گمراه. خدای ازو خشنود مباد!»^۳

سعه صدر این «عالم» بزرگ را ملاحظه می‌فرمایید! ترجمه و تحریر متن کتاب مُعْجِدُ النِّعَمِ را در حدود سال ۱۳۴۶ آغاز کردم و نزدیک به نیمه بود که آن را رها کردم. امیدوارم به زودی آن را تمام کنم. کتابی است در معرفی پیشه‌ها و مشاغل در جهان اسلامی عصر حافظ (قرن هشتم) که در شناخت زندگی شهری و ساحات‌های گوناگون تمدن جهان اسلام، دارای کمال اهمیت است. مؤلف در

آن به معرفی حدود یک صد و دوازده^۴ پیشه و شغل پرداخته و وظایف هر کدام از صاحبان این مشاغل را از دیدگاه خودش - که عملاً دیدگاه رسمی دولتی عصر او در ناحیه شام و مصر بوده است - تعیین کرده است. از مقایسه فتاوی او، با آنچه در مشرق جهان اسلامی - یعنی عرصه ایران بزرگ - رواج داشته بسیاری نکات بر ما روشن می‌شود و ما با مفهوم بسیاری از مشاغل و میدان کار صاحبان آنها، به طور دقیق آشنا می‌شویم و همچنین درمی‌یابیم که چرا «فلسفه در جهان اسلام» چیزی نیست جز فلسفه در قلمرو «ایران‌شهر» یا «ایران بزرگ». اگر چند استثنا وجود داشته باشد این قاعده بر اعتبار خویش باقی است.

کتابدار (= خازن کتب)

وظیفه او حفظ کتاب است و ترمیم اوراق شدگی آن و به هنگام لزوم، صحافی (حجک) آن و باید که در دادن کتاب به غیر اهل آن صنت ورزد و بر نیازمندان آن را بذل کند و به هنگام عاریت دادن کتاب، تهی‌دستان را - که فراهم کردن کتاب برای ایشان دشوار است - بر ثروتمندان مقدم دارد. چه بسیار دیده شده است که واقفی شرط کرده است که کتاب از کتابخانه به بیرون برده نشود مگر در برابر گروه نهادن بهای آن و این خود شرطی است درست و معتبر، کتابدار حق ندارد که آن را، بدون گروگان، به عاریت دهد؛ این نکته‌ای است که قفال^۵ در فتاوی، بدان تصریح کرده است و نیز شیخ امام (پدر مؤلف) در تکملة شرح المهدب^۶ و هم او یادآور شده است که این رهن، رهن شرعی تلقی نمی‌شود.

ناسخ (= کاتب، نسخه بردار)

در مورد وظایف ناسخ، یعنی نسخه بردار، می‌گوید: وظیفه اوست که از کتاب‌های گمراه کننده (مضله) چیزی کتابت نکند، مانند کتاب‌های اهل اهواء و بدعت‌ها و همچنین نباید به کتابت کتاب‌هایی پردازد که در راه خدا سودی نمی‌رسانند، مانند سیره عترة^۷ و جز این از کتاب‌های پر ساخته گوناگون که مایه تضییع وقت است و در راه دین بدانها نیاز نیست. همچنین کتاب‌های اصحاب مجنون و

۳. لسان‌العربان (حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق.) ج ۴، ۲۹۱.

۴. در بعضی نسخه‌ها شمار این مشاغل کمی تفاوت دارد.

۵. منظور، ابونکر عبدالله بن احمد قفال مروزی (د ۴۱۷ ق.) است که از بزرگان فقه‌های شافعیه در خراسان بوده است.

۶. المهدب، یکی از کتب مهم فقه شافعی است تألیف ابواسحاق شیرازی (د ۲۷۶ ق.) که در طول تاریخ شروح بسیار بر آن نوشته شده است و یکی از آنها تکملة شرح المهدب تألیف پدر مؤلف است.

۷. سیره عترة یکی از مشهورترین کتاب‌های قصه‌خوانی و گذران ایام فراغت، در دنیای عرب زبان است. چیزی شبیه رستم نامه و اسکندرنامه و حسین کُرد و امثال آنها در دنیای فارسی زبان.

را، با همان اجرت کتابت کند. و هر کس که ناسخی را اجیر می‌کند باید عدد اوراق و سطرها را، در هر صفحه، برای او، مشخص کند.

در مورد نوع مرکب اگر اختلاف کردند، و از قبل تعیین نشده بود، صحیح آن است که به آن چه عادت بر آن است رجوع شود؛ حال اگر اختلاف باقی ماند باید بیان شود و گرنه معامله باطل خواهد شد.

وراق (= کاغذ فروش)

پیشه وراقی از نیکوترین پیشه‌هاست زیرا در جهت یاری رساندن به کتابت مصاحف و کتب «علم» و اسناد (= وثائق) مردم و عهدنامه‌های ایشان است. شگری که صاحب این پیشه باید خدای را بگزارد در این است که با طالب «علم» و جز او مهربانی و مدارا کند. جانب کسانی را که می‌داند کاغذ (ورق) را برای کتابت «علم» می‌خرند نگاه دارد. به کسی نفروشد که می‌داند آن را برای چیزی که سزاوار نیست می‌خرد؛ مثلاً برای نوشتن کتاب‌های «بدعت» و «اهواء» و «شهادت دروغ» و «مرافعه‌ها و امثال آن».

مجلد (= صحاف)

آنچه بر او لازم است همان است که بر ناسخ و وراق لازم است.

مذهّب (= تذهیب‌کار)

باید که جز مصحف را تذهیب نکند. اختلاف مردم درباره اینکه مصحف را با زر توان تذهیب کرد یا نه امری است شناخته. آنچه رافعی^۸ و نووی آن را صحیح دانسته‌اند این است که باید دید این تذهیب مصحف، برای زن است یا مرد؟ اگر برای زن است، حلال است و اگر برای مرد است حرام.

آنچه عقیده مختار ماست این است که آراستن مصحف، مطلقاً، حلال است. اما بجز مصحف، اتفاقاً اصحاب، بر این است که کتاب‌های دیگر را نباید به زر آراسته کرد.

نقاش (= دهان)

نباید صورت هیچ موجود زنده‌ای را تصویر کند نه بر دیوار و نه بر سقف و نه بر هیچ آئنی از آلات، و نه بر زمین. بعضی

مسخرگان و آنچه در اصناف جماع و وصف شراب‌ها پرداخته‌اند و مایه تهییج محرّمات می‌شود.

ما کاتبان و نسخه‌برداران را از این گونه کتاب‌ها بر حذر می‌داریم؛ چرا که دنیا ایشان را فریب می‌دهد و غالباً کسی که به نسخه‌برداری از این گونه کتاب‌ها می‌پردازد اجرتی بیش از کسانی که به نسخه‌برداری از کتاب‌های «علم» می‌پردازند دریافت می‌کند. پس شایسته است که کاتب و نسخه‌بردار، دین خود را به دنیا نفروشد.

بعضی از کاتبان و نسخه‌برداران هستند که رعایت امانت نمی‌کنند و با شتاب کتابت می‌کنند و اگر قرار گذاشته باشند که تمامی کتابی را نسخه‌برداری کنند، در خلال کتابت چیزهایی را حذف می‌کنند تا کار را به پایان برند. چنین کسانی به خدای تعالی خیانت می‌ورزند در کار توضیح «علم» و نیز در کار گسیختن ارتباط اجزای کلام. به مصنف خیانت می‌کنند در ناقص کردن کتاب او و نیز به آن کسی که با او قرارداد دارند برای کتابت آن مقدار از کتاب و از آن می‌دزدند.

اصحاب ما (شافعیه) بر آنند که اگر کسی با کاتب قرار گذاشت که چیزی را برای او کتابت کند و او به خط کتابت کرد، یا قرار گذاشت که به [خط] عربی بنویسد و او به [خط] عجمی کتابت کرد یا بر عکس، کاتب ضامن نقصان ورق خواهد بود و اجرتی هم حق او نخواهد بود. اعتقاد نووی^۹ - که بسیار نزدیک است به رأی غزالی در فتاوی او - برین است که وقتی کسی با کاتبی قرار گذاشت که کتابی را برای او نسخه‌برداری کند و او ترتیب ابواب را به هم زد و تغییر داد، حال اگر چنان بود که بتوان به تدوین بعضی با بعضی پرداخت - از قبیل این که کتاب ده باب باشد و او باب اول را در آخر کتابت کرده باشد، به گونه‌ای که بتوان بر آن بنا نهاد - مستحق سهم خود از اجرت کتابت خواهد بود و گرنه هیچ حقی به او تعلق نمی‌گیرد.

از پدرم، امام^{۱۰} - رَحِمَهُ اللهُ - استفتا کردند درباره شخصی که ناسخی را در برابر اجرتی معین اجیر کرده است تا یک ختم [قرآن] برای او کتابت کند و کاتب مدت یک سال کار را به تأخیر انداخته است البته درین یک سال خط او بهتر شده است آیا کاتب حق دارد، بخاطر نیکو شدن خط خویش اجرتی افزون طلب کند، یا حق فسخ برای طرف باقی است؟ پدرم چنین فتوا داد که: هیچ کدام ازین دو حق نخواهد داشت، بلکه لازم است که آن

۸. منظور یحیی بن شرف نووی (یا نوای منسوب به دهی به نام نوای) است (۶۳۱-۶۷۶ق) از علمای بزرگ فقه و حدیث و یکی از پرکارترین ایشان.

۹. یعنی پدر مؤلف تاجی الدین علی بن عبدالکافی سبکی، قاضی القضاة مصر و از علمای بزرگ قرن هشتم.

۱۰. منظور محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی (۵۱۳-۵۸۰ق) یکی از بزرگترین فقهای شافعیه است که پسرش عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی التّدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین را نوشته و این کتاب دریایی است در زمینه مسائل تاریخ و فرهنگ ایران زمین.

از اصحاب ما (شافعیه) تصویر موجود زنده را بر زمین جایز دانسته اند، ولی آنچه صحیح است خلاف آن است. رسول (ص) مصوران را نفرین کرده است و گفته که «ایشان، در روز رستاخیز، عذابی افزون تر از همگان دارند».

دلال‌ها

بعضی از ایشان دلال کتاب‌اند. وظیفه دلال کتاب است

که کتاب‌های دینی را به کسی که می‌داند آنها را ضایع خواهد کرد یا به قصد انتقاد و طعن در آنها خواهد نگریست، بفروشد. و نباید که چیزی از کتاب‌های اهل بدعت و اهواء و کتاب‌های منجمان و کتب مکذوبه (پرساخته و دروغین) از قبیل سیره عنتره و جز آن را بفروشد. و همچنین روا نیست که مصحف و چیزی از کتب حدیث و فقه را به کافران بفروشد.



ساولب
العلامة شيخ المحقق
عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد بن

■ دست خط تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی، به تاریخ ۷۴۵ ق.

کتابخانه واتیکان، شماره ۳۲، عربی.